

Economic Advantages of the Proportional Electoral System of the Islamic Council

Hafizullah Hamyar ¹, Mahdi Sheikh Movahed ^{2*}, Hossein Alaei ³

1. PhD student, Public Law Department, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 179-192

Article history:

Received: 23 Nov 2023

Edition: 13 Jan 2024

Accepted: 5 Mar 2024

Published online: 22 Jun 2024

Keywords:

Electoral System, Proportional Electoral System, Majority Electoral System.

Corresponding Author:

Mahdi Sheikh Movahed

Address:

Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Department of Public Law.

Orchid Code:

0000-0002-9894-9403

Tel:

09173117361

Email:

Mr5661@gmail.com

ABSTRACT

Background and Purpose: the electoral system is the process of converting votes into representative seats, and each electoral system creates certain political and economic consequences in the society. The current study aims to investigate the economic benefits of the proportional electoral system in the elections of the Islamic Council.

Materials and Methods: This research is of a theoretical type, the research method is descriptive and analytical, and the method of collecting information is a library, which was done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this article, ethical standards, including the principle of referencing documents, have been observed.

Result: Proportional electoral system will reduce the number of constituencies and save on the printing of tariffs and additional costs related to vote counting, clarifying the costs and expenses through the identification of parties by the election officials. Monitoring financial activity of candidates through their nominated parties, prevention of irregular expenses by candidates or their relatives are the economic advantages of proportional electoral system compared to majority electoral system.

Conclusion: Proportional electoral system by identifying political parties and monitoring the financial activity of candidates in the field of Islamic Council elections, can become a better monitoring mechanism to reduce extensive expenses in the field of elections. Also, the costs of monitoring and implementing elections in the proportional method are also lower than the majority method.

Cite this article as:

Hamyar H, Sheikh Movahed M, Alaei H. *Economic Advantages of the Proportional Electoral System of the Islamic Council*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

مزایای اقتصادی نظام انتخاباتی تناسبی مجلس شورای اسلامی

حفیظاله همیار^۱، مهدی شیخ موحد^۲، حسین علایی^۳

۱. دانشجو دکتری گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نظام انتخاباتی فرایند تبدیل آراء به کرسی نمایندگی است که هر نظام انتخاباتی، تبعات سیاسی و اقتصادی خاصی در جامعه ایجاد می‌کند. پژوهش حاضر درصدد بررسی مزایای اقتصادی نظام انتخاباتی تناسبی در انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در مقاله حاضر معیارهای اخلاقی از جمله اصل ارجاع دهی مستند رعایت شده است.

یافته‌ها: نظام انتخاباتی تناسبی باعث کاستن از حوزه‌های انتخابیه و صرفه‌جویی در چاپ تعرفه و هزینه‌های جانبی مربوط به شمارش آراء، شفاف شدن هزینه‌ها و مخارج از طریق شناسایی احزاب توسط مجریان انتخابات خواهد شد. رصد فعالیت مالی نامزدها از طریق احزاب معرف آنان، پیشگیری از هزینه‌های بی‌ضابطه توسط نامزدها و یا نزدیکان آنان مزیت‌های اقتصادی نظام انتخاباتی تناسبی در مقابل نظام انتخاباتی اکثریتی است.

نتیجه: نظام انتخاباتی تناسبی با شناسایی احزاب سیاسی و رصد فعالیت مالی نامزدها در عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی، می‌تواند سازوکار نظارتی بهتری برای کاستن از هزینه‌های گسترده در عرصه انتخابات شود. همچنین هزینه‌های نظارت و اجرای انتخابات در شیوه تناسبی نیز کمتر از شیوه اکثریتی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷۹-۱۹۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

واژگان کلیدی:

نظام انتخاباتی، نظام انتخاباتی تناسبی، نظام انتخاباتی اکثریتی.

نویسنده مسئول:

مهدی شیخ موحد

آدرس پستی:

شیراز، ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه حقوق عمومی.

تلفن:

09173117361

کد ارکید:

0000-0002-9894-9403

پست الکترونیک:

Mr5661@gmail.com

۱. مقدمه

نظام انتخاباتی فرایند تبدیل آراء شهروندان به کرسی است که به صورت نمایندگان مردم در مجلس، ریاست جمهوری، نخست وزیری و... عینیت پیدا می‌کند. هر نظام انتخاباتی دارای عناصر و خصوصیتی است که با توجه به سهولت در اخذ آراء و یا عدم پیچیدگی مورد استقبال نظام‌های سیاسی می‌شود. اما در این میان، مباحث اقتصادی مربوط به نظام انتخاباتی نیز مسأله مهمی است؛ به این دلیل که با توجه به گزینش نوع نظام انتخاباتی، مباحث اقتصادی مرتبط با آن نیز متفاوت خواهد بود. همچنین نظام انتخاباتی به هر حال نیازمند ابزارهایی نظیر عوامل اجرایی، نظارتی و یا داشتن هزینه‌های لازم است تا بتوان انتخابات را به شیوه مناسب برگزار و نتیجه آن را برای شهروندان اطلاع‌رسانی نمود. با این حال هر نظام انتخاباتی دارای مزایا و معایب خاص خود است و دلیل تغییر و تبدیل و یا اصلاح شیوه‌های انتخابات نیز به همین معایب و یا مزایا مرتبط است. سه نظام انتخاباتی شناخته شده و پر کاربرد شامل نظام انتخاباتی اکثریتی، تناسبی و مختلط است که هر یک از آنان برای انتخابات خاصی به کار گرفته می‌شود. اما در عرصه انتخابات مجلس که تعداد حوزه‌های انتخاباتی و همچنین فراوانی نامزدها بیشتر است، اتخاذ شیوه‌ای که بتواند باعث کاستن از هزینه‌های مربوط به انتخابات هم از حیث ملی و هم مخارج و هزینه‌های تبلیغات و رقابت نامزدها شود، حائز اهمیت است.

امروزه و پس از گذشته چهار دهه از انقلاب اسلامی، نظام انتخاباتی اکثریتی به عنوان شیوه برگزاری انتخابات در نظر گرفته شده است که علیرغم مزایایی که طی این سالها داشته است،

انتقاداتی نیز بر آن وارد شده است. از جمله اینکه با حاکم شدن «نامزد محوری» در انتخابات مجلس شورای اسلامی، افزایش هزینه‌های انتخاباتی به واسطه عدم وابستگی نامزدها به احزاب و حضور افراد متمول در عرصه انتخابات و یا نزدیک شدن افراد متمول به نامزدها شکل گرفته است. با مشاهده همین روند، برخی دیدگاهها به سمت تغییر نظام انتخاباتی و گزینش نظام انتخاباتی تناسبی به جای نظام انتخاباتی اکثریتی سوق یافته است. به این دلیل که نظام انتخاباتی تناسبی به دنبال استانی شدن انتخابات و اتخاذ سازوکارهای فهرست حزبی و لیستی است که می‌تواند شفافیت مالی و هزینه‌ای را در عرصه انتخابات پدید آورد.

به طور مشخص نظام انتخاباتی تناسبی به معنای کسب کرسی در مجلس به نسبت رأی اختصاص داده به یک فهرست حزبی و یا لیست است که راه را برای انتخاب افرادی که در اقلیت هستند، فراهم می‌سازد. با این حال، در این پژوهش تلاش بر این است تا از جنبه مزیت اقتصادی به بررسی نظام انتخاباتی تناسبی در عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی توجه نشان داده شود. بدیهی است که پرداختن به مزیت نظام انتخاباتی تناسبی نوعی آسیب‌شناسی نظام انتخاباتی فعلی یعنی نظام انتخاباتی اکثریتی نیز می‌باشد. از این رو در خلال مباحث نیز به شیوه تطبیقی هر یک از محورها از بُعد اقتصادی در نظام انتخاباتی اکثریتی و یا تناسبی به بحث گذاشته می‌شود. پرسش اصلی این است که در مقایسه با نظام انتخاباتی اکثریتی، شیوه دیگر یعنی نظام انتخاباتی تناسبی دارای چه مزیت اقتصادی است؟

در ارتباط با موضوع حاضر برخی تحقیقات نگارش شده است. از جمله: در مقاله ملک‌الساداتی (۱۳۹۲)

۴. یافته‌ها

نظام انتخاباتی اکثریتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی به دلیل گسترده بودن حوزه‌های انتخابیه و نامزدمحوری، نوعی عدم شفافیت در زمینه هزینه‌های انتخاباتی را دامن زده است. ضمن اینکه به دلیل عدم وابستگی نامزدهای انتخاباتی به احزاب و فهرست‌ها، نامزدهای کمتر برخوردار توانی برای حضور در انتخابات نداشته و غالباً افراد متمول و یا نامزدهایی که حامیان متمولی دارند، در انتخابات حضور داشته و یا برنده می‌شوند. همچنان که در عرصه خرید و فروش آراء، نوعی بی‌نظمی و عدم شفافیت نیز قابل مشاهده است. اما مزیت انتخابات به شیوه تناسبی آن است که نامزدها از طریق فهرست حزبی وارد کارزار انتخابات می‌شوند و ضمن کاسته شدن از حوزه‌های انتخابیه، افراد متمول، نفوذی را که در عرصه انتخابات به شیوه اکثریتی داشتند، ندارند. از این رو آنان ناچار به تبعیت از قواعد حزبی و سازمانی بوده و بخش قابل توجهی از هزینه‌های انتخاباتی به صورت فردی و خودسرانه کاسته خواهد شد. همچنان که این نتیجه حاصل شد که در شیوه اکثریتی، محلی-گرایی، نفوذ افراد نزدیک به نامزدها و عدم رویکرد حزبی و سازمانی در عرصه انتخابات باعث صرف شدن هزینه‌های زیادی در عرصه انتخابات شده است؛ به طوری که حتی برخی از هزینه‌ها روشن نیست که از طرف چه فردی صورت می‌گیرد. از این منظر نیز مزیت اقتصادی نظام تناسبی آن است که با کاستن از حوزه‌های انتخابیه و ایجاد حوزه‌های انتخابیه استانی و با محوریت احزاب، هم هزینه‌های ملی در سطح کلان را پایین می‌آورد و هم اینکه احزاب سیاسی را در قبال نهادهای نظارتی پاسخگو می‌کند و امکان بیشتری برای نظارت بر هزینه‌های انتخاباتی فراهم می‌سازد. کم شدن حوزه‌های

این نتیجه حاصل شد که نظام انتخاباتی اکثریتی در عرصه انتخابات مجلس باعث تخصیص بودجه به مناطق و محله‌ها و به حاشیه رفتن منافع محلی شده است. میرزاده کوهشاهی و میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۰) چنین نتیجه گرفتند که اگر انتخابات به شیوه تناسبی و استانی برگزار شود، برخی گرایش‌های قومی و محلی در انتخابات به حداقل خواهد رسید. عباسی (۱۳۸۸) نیز در مقاله‌ای به نقد انتخابات اکثریتی و تناسبی پرداخته است و نظام انتخاباتی اکثریتی را نامزدمحور و مبتنی بر عدم تبعیت نامزدها از احزاب سیاسی می‌داند. نظام تناسبی نیز باعث تضعیف نگرش محلی و نادیده گرفتن منافع انتخاب شونده‌گان خواهد شد. مقاله رکن آبادی و شعبان شمیرانی (۱۳۹۲) نیز نشان داد که انتخابات به شیوه اکثریتی باعث نادیده گرفتن منافع ملی و ارجحیت بخشی منافع محلی بر منافع ملی شده است. در هریک از تحقیقات فوق و سایر تحقیقات مشابه، غالباً نوعی آسیب شناسی و انتقادات نسبت به هریک از نظام‌های انتخاباتی مطرح شده است. اما بحث پژوهش حاضر، بررسی مزایای نظام انتخاباتی تناسبی از حیث هزینه‌های انتخاباتی اعم از فرایند برگزاری انتخابات و یا هزینه‌های نامزدها و افراد دخیل و اثرگذار در عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی است که تاکنون چنین پژوهش مستقلی انجام نشده است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در مقاله حاضر معیارهای اخلاقی از جمله اصل ارجاع‌دهی مستند رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است.

منتفذان در مناطق محلی، حاکم شدن حامی-پروری و بده بستان، پرداخت پول و رانت، تأمین شغل و جذب بودجه و طرح‌های عمرانی برای حامیان کاندیدها رخ می‌دهد (عظیمی، ۱۳۷۷: ۴۷). توضیح اینکه اکثریتی بودن نظام انتخاباتی و معطوف بودن انتخابات به حوزه‌های انتخابیه کوچک و محلی باعث می‌شود تا کاندیدهای بانفوذ به صورت بلاواسطه با عوامل برگزاری انتخابات در ارتباط باشند. این امر منجر به بروز تخلفات انتخاباتی در زمان برگزاری انتخابات می‌شود. از این تخلفات گاهی با عنوان ورود پول کثیف نیز یاد شده است (درستی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). یعنی کاندیداهایی که از شرایط مالی بهتری نسبت به سایر رقبا برخوردار هستند و حتی ممکن است شایستگی مطلوبی برای بدست آوردن کرسی مجلس نداشته باشند، با صرف هزینه‌های هنگفت و غیرشفاف، باعث خرید آراء و بروز تخلفات متعدد انتخاباتی می‌شوند. از این منظر، انتخابات مجلس به شیوه اکثریتی باعث ورود پول های غیرشفاف، عدم رسیدگی به تخلفات انتخاباتی در حوزه اقتصادی و توزیع مناصب به شیوه غیرشایسته سالاری توسط نمایندگان خواهد شد.

علاوه بر این، اکثریتی بودن نظام انتخاباتی و به تبع آن، نامزدمحوری در انتخابات مجلس شورای اسلامی به معنای آن است که افراد مختلف با بهره‌گیری از رانت‌های اقتصادی و سیاسی به راحتی در یک حوزه انتخابیه پیروز می‌شوند. این در صورتی است که با توجه به محدود بودن حوزه انتخابیه و فقدان احزاب برای پاسخگو کردن نامزدها، شرایط برای ورود رانت به عرصه انتخابات فراهم می‌گردد. بنابراین رانت‌های اقتصادی و سیاسی از جمله آسیب‌های فرایند انتخابات هستند (گلشنی، ۱۳۹۷: ۱۳۰). به عبارت دیگر، در نظام انتخاباتی اکثریتی

انتخاباتی از نامزدمحوری به استانی شدن و یا تجمیع نامزدها در قالب فهرست حزبی می‌تواند هزینه‌های اجرایی ناشی از انتخابات و یا نظارت بر آنان را کاهش دهد. به علاوه اینکه کم شدن حوزه‌های انتخابیه باعث صحت و سلامت انتخابات و جلوگیری از ائتلاف سرمایه، نیروی انسانی و هزینه‌های جانبی مربوط به انتخابات از قبیل چاپ تعرفه، شمارش آراء و ... خواهد شد.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. مزایا اقتصادی نظام انتخاباتی تناسبی

برای گزینش نظام انتخاباتی تناسبی در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیازمند اتخاذ شیوه‌ای برای کاستن از هزینه‌های برگزاری انتخابات توسط دولت و هم جلوگیری از هزینه‌های گزاف در انتخابات و هم نیازمند آسیب شناسی نظام انتخاباتی کنونی (اکثریتی) است. بر این اساس با گزینش چند مورد به این مزیت‌ها پرداخته خواهد شد.

۵-۱-۱. پیشگیری از محلی‌گرایی و هزینه‌های غیرشفاف در انتخابات

انتخابات کنونی مجلس در ایران به شیوه اکثریتی است که اغلب باعث هزینه‌های زیادی در عرصه انتخابات شده است. ضمن اینکه تعهدات یک نماینده مجلس اغلب میان نوعی خاص‌گرایی منطقه‌ای و کلان‌گرایی ملی در حال نوسان است (مقصودی و ابراهیم آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰). بنابراین سوق یافتن نماینده به سمت هریک از این دو قطب به معنای گرایش به یکی و دور ماندن از دیگری است. با توجه به اینکه این گرایش در انتخابات مجلس ایران به دلیل نظام انتخاباتی اکثریتی، نوعی محلی‌گرایی را پدید آورده است، محوریت یافتن

در این صورت افرادی می‌توانند از توانایی تبلیغ و رأی‌آوری بالاتری برخوردار باشند که توانایی مالی بیشتری نیز داشته باشند. این وضعیت می‌تواند باعث جا ماندن سایر رقبایی شود که از توانایی مالی چندانی برای رقابت برخوردار نیستند. به عبارتی دیگر، امروزه با توجه به هزینه‌های سنگین انتخاباتی تنها اقشار محدودی از جامعه توانایی شرکت در انتخابات را دارند و می‌توانند با دیگر کاندیداها به رقابت بپردازند. تنها افرادی می‌توانند در انتخابات شرکت داشته باشند که از قشرهای مرفه جامعه برخاسته باشند (زکی زاده، ۱۳۹۰: ۵۷). به نظر می‌رسد خارج شدن از کاندید محوری و جلوگیری از پیروز شدن افرادی که به دلایل متعددی از توانایی مالی بیشتری برخوردار هستند، باعث ایجاد نوعی نابرابری در رقابت شده که اصل عدالت انتخاباتی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

برای حل این معضل، نظام انتخاباتی تناسبی پیشنهاد شده است که با محوریت احزاب سیاسی توانایی فراهم کردن شرایط مناسب‌تری برای افراد دارای توان اقتصادی کمتر را دارد. یعنی میان نظام انتخاباتی تناسبی و گسترش احزاب سیاسی نوعی پیوند خاص برقرار است (دوروزه، ۱۳۸۰: ۵۶). بدین ترتیب راه‌حل آن است که احزاب سیاسی از طریق گزینش افراد صلاحیت‌دار هزینه‌های انتخاباتی را بر عهده بگیرند و از افراد کم‌برخوردار حمایت کنند. این مزیت نیز در نظام انتخاباتی تناسبی و فهرست حزبی دیده می‌شود و علاوه بر افراد دارای توان مالی ضعیف، احزاب اقلیت در سایه کسب آراء کمتر نیز می‌توانند صاحب کرسی شوند. علاوه بر این، افراد با داشتن منابع مالی کم نیز می‌توانند در فهرست قرار گیرند و امکان نقش‌آفرینی در عرصه سیاست را بدست آورند. بدین ترتیب نظام

به دلیل ارتباط همه جانبه نامزدها با افراد متمول و رأی‌دهندگان، بروز تخلفات انتخاباتی از قبیل خرید و فروش آراء محتمل است. از این منظر، معایب اقتصادی نظام انتخاباتی اکثریتی از حیث مخارج زیاد در ایام انتخابات باعث شده تا توجهات به سمت نظام انتخاباتی تناسبی سوق داده شود. زیرا در این ایده جدید، تبعیت نامزدها از برنامه‌های یک فهرست باعث می‌شود تا انتخابات از حالت هزینه‌های فردی و غیرشفاف خارج شود و هزینه‌های انتخاباتی کنترل شود (مولائی و احمدی، ۱۴۰۰: ۹). از منظر کاستن از هزینه‌های انتخاباتی، نظام انتخاباتی تناسبی شفافیت بیشتری دارد و از هزینه‌های بدون ضابطه توسط افراد و نزدیکان آنها پیشگیری به عمل می‌آورد.

۵-۱-۲. ایجاد شفافیت مالی و عدالت انتخاباتی

شیوه برگزاری انتخابات مجلس در شرایط کنونی به صورت اکثریتی است. یعنی انتخابات فعلی مجلس به نحوی است که برخی از کاندیدهای متمول همواره می‌توانند وارد مجلس شوند و عرصه رقابت را بر دیگران تنگ کنند. حتی مشاهده می‌شود که برخی از کاندیدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی برخلاف شأن و وظایف نمایندگی مجبور به تلاش برای حفظ منافع افراد و بنگاههایی هستند که برای آنان هزینه می‌کنند (میرزاده کوهشاهی و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۶: ۱۶۶). این رویه علاوه بر ایجاد نوعی عدم استقلال برای نمایندگان برنده، باعث صرف هزینه‌های غیرشفاف در ایام انتخابات می‌شود که نتیجه آن ایجاد نوعی نابرابری در هزینه‌های انتخاباتی و همچنین دور ماندن افراد دارای صلاحیت، اما فاقد منابع مالی لازم برای رقابت کردن با چنین افراد متمولی است.

انتخاباتی تناسبی با برجسته کردن نقش احزاب، مدیریت انتخابات را بر مبنای سازمانی و پاسخگویی به نهادهای بالادستی از جمله اعضای حزب اعلام می‌کند که این امر مانع ریخت و پاش و هزینه‌های بی‌جهت در دوران انتخابات خواهد شد.

برخی از تحقیقات نیز مؤید آن است که در شیوه اکثریتی و حزبی تفاوت قابل توجهی میان هزینه‌های انتخاباتی وجود دارد. از جمله در یکی از مصاحبه‌هایی که با نمایندگان مجلس هفتم انجام شده بود، کاندیدها هزینه‌های انتخاباتی خود را بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون اعلام کرده بودند. اما افرادی که از سوی احزاب معرفی شدند هزینه مصرف شده را کمتر از یک میلیون عنوان کردند. دلیل این تفاوت، این است که احزاب دارای منابع مالی متعددی هستند و هزینه‌های انتخاباتی کاندیدهای وابسته به حزب متبوع را بر عهده می‌گیرند. از سوی دیگر احزاب از بهترین شیوه‌ها و مکانیزم‌های موجود در تبلیغات استفاده می‌کنند و این امر سبب کشش کاندیداها به سوی احزاب می‌شود (میرزاده کوهشاهی و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). اما در شیوه اکثریتی، به دلیل شفاف نبودن سازوکارهای تأمین مالی افراد، افراد مختلفی با انگیزه‌های مختلف در عرصه انتخابات هزینه می‌کنند و به صورت نابرابر باعث طرد برخی افراد کم‌تر برخوردار می‌شوند.

بنابراین احزاب سیاسی هم می‌توانند سازوکار انتخاباتی کم هزینه‌تری ایجاد کنند و هم اینکه باعث حمایت از افرادی شوند که صلاحیت لازم برای ورود به مجلس و یا رقابت با دیگران را دارند، اما به دلیل عدم تمکن مالی، قدرت رأی‌آوری چندانی ندارند. ضمن اینکه در شیوه تناسبی است که احزاب می‌توانند واجد نقش مؤثری در انتخابات شوند و در شیوه اکثریتی، نوعی عدم هویت حزبی

را مشاهده می‌کنیم (میرزائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۵۴). این خلأ باعث شده تا انتخابات نه به صورت نهادی و سازمان یافته، بلکه توسط افراد متفاوتی سازماندهی شود که در حین و پس از برگزاری انتخابات نمی‌توان نقش آنان را در عرصه هزینه‌های انتخاباتی رصد نمود. موضوعی که باعث زیر سؤال رفتن مزیت اقتصادی شیوه اکثریتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی شده است. به هر صورت باید گفت در رویکرد تناسبی به دلیل وجود یک نهاد قانونمند به نام احزاب جهت پاسخگویی به دولت در امر هزینه انتخابات، مدیریت بهتری در این زمینه اعمال می‌شود، اما در رویکرد انتخاباتی اکثریتی که هر کاندید برای خود هزینه می‌کند، قوانین شفاف دیده نمی‌شود.

۵-۱-۳. تفوق شفافیت مالی احزاب بر حامی -

پروری و خرید و فروش آراء

نتیجه عمده‌گرینش نظام انتخاباتی تناسبی آن است که افراد به صورت مستقیم و آشکارا اقدام به فروش رأی خود نمی‌کنند. زیرا کاندیداها در نظام انتخاباتی تناسبی توسط احزاب معرفی می‌شوند و دسترسی مستقیم به رأی دهندگان ندارند. در همین راستا حتی استدلال شده است که افراد فقیر تمایل بیشتری به فروش رأی خود دارند و فردی که انتخابات می‌شود، در نهایت نماینده ثروتمندان است و نمایندگی فقرا را بر عهده نخواهد داشت (رفیعی قهساره، ۱۴۰۲: ۱۵). اما در شیوه تناسبی، وجود احزاب سیاسی این معضل را به شکل قابل توجهی از بین خواهد برد. زیرا در بسیاری مواقع این احزاب هستند که نقش اصلی را در هزینه‌های انتخاباتی بر عهده می‌گیرند. چرا که معمولاً سرمایه کمتر نامزدی آنقدر هست که بتواند این هزینه سنگین را تحمیل نماید. به همین دلیل این احزاب هستند که برای مطرح کردن خود این امر را به

ضعف در مزایای اقتصادی نظام انتخاباتی اکثریتی است.

برخی بر این باور هستند که سیاست «حامی پروری» در ایران به دلیل عدم شکل‌گیری سیستم حزبی و تضعیف جهت‌گیری جناحی در کشور است (میرزائی، ۱۳۹۹: ۳۵۷). هنگامی که سیاست حزبی در کشور وجود ندارد، حتی ممکن است نماینده انتخاب شده در حوزه انتخابیه، افراد مورد نظر خود را در مناصب کلیدی شهرستان‌ها بگمارد و در ادوار بعدی بر نتایج انتخابات اثر بگذارد. بنابراین نوعی بده و بستان مالی و منصبی در کشور شکل می‌گیرد که عواقب نامطلوبی نیز در پی خواهد داشت. در این صورت، اولویت و مصالح اساسی برای این افراد، اقتضائات و نیازهای محلی و قومی است که در رأی‌دهی نیز خود را نشان می‌دهد که ناتوانی احزاب سیاسی و جناح‌ها را در بسیج رأی‌دهندگان به دنبال دارد (جلالیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶). علاوه بر این، پولی شدن آراء و انتخاب نمایندگان باعث می‌شود تا نظام انتخاباتی به شکل قابل توجهی به سمت انتخاب افراد متمول سوق یابد و از گزینش افراد کاردان و شایسته جلوگیری شود.

برای رفع معضل یاد شده می‌توان از احزاب سیاسی کمک گرفت که در متن و بطن نظام انتخاباتی تناسبی و احراز صلاحیت فهرست حزبی وجود دارد. با اتخاذ این نظام انتخاباتی، احزاب سیاسی با سازوکار داخلی خود به دنبال گزینش افرادی هستند که به شکل بهتری بتوانند از منافع و خواسته‌های حزب دفاع به عمل آورد. در نظام‌های سیاسی مردم سالار، اولین کارکرد احزاب سیاسی، گزینش نامزدهای مناسب برای حضور در انتخابات مختلف به منظور کسب مناصب سیاسی و نیز هدایت مبارزاتی است (جریده، ۱۳۹۴: ۳۷). همچنین این احزاب پس از پیروزی در انتخابات

انجام می‌رسانند تا آنجا که بسیاری از پژوهشگران، احزاب آمریکایی را ماشین‌های انتخاباتی نامیده‌اند (احمدی، ۱۳۷۷: ۷۷). این رویه در ایران نیز در قوانین وجود دارد (ماده دهم قانون احزاب ۱۳۹۴)، اما در عرصه انتخابات مجلس به دلیل بدست گرفتن کرسی‌ها از سوی افراد مستقل (بی‌حزب و فهرست)، قوانین مالی انتخاباتی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و اغلب خرید و فروش آراء به شکل یک معضل نمود پیدا می‌کند.

بدین ترتیب کارکرد مهم دیگری که گزینش نظام انتخاباتی تناسبی در پی دارد، جایگزینی سیاسی حزبی به جای سیاست حامی‌پروری و شبکه‌سازی ناشی از پیوندهای شخصی، گروهی و فامیلی است. زیرا خرید رأی یکی از زیر مجموعه‌های حامی پروری انتخاباتی است (رفیعی قهساره، ۱۴۰۲: ۱۱). بدین معنا که در شیوه اکثریتی، محلی بودن انتخابات در کشور باعث شکل‌گیری نوعی پیوند میان نمایندگان انتخابات شده و افرادی است که به انحاء مختلف از جمله خرید و فروش رأی، تخلفات انتخاباتی و... در فرایند انتخابات مداخله غیرقانونی می‌کنند. آنچه در پاره‌ای از مواقع در انتخابات مجلس شورای اسلامی رخ داده، می‌تواند تحت عنوان جرایم و تخلفاتی از آن یاد کرد که طیفی از تخلفات انتخاباتی از زمان شروع انتخابات تا اعلام اسامی قطعی برندگان است (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۸: ۵۱). علاوه بر این، معضل خاص دیگری وجود دارد که همواره در قالب خرید و فروش آراء در انتخابات مجلس قابل مشاهده است. یا اینکه به رأی‌دهندگان و افراد سرشناس این وعده داده می‌شود که در صورت پیروزی، مقام یا منصب خاصی به آنان داده می‌شود. در این صورت نوعی پیوند منافع به صورت غیرقانونی میان رأی‌دهندگان و نامزدها شکل می‌گیرد که بیش از همه نشان‌دهنده

نقش عمده‌ای در تعیین افراد موردنظر خود برای مناصب انتصابی در ساختار دولت ایفا می‌کند (جاسبی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). بنابراین تناسبی شدن انتخابات هم می‌تواند حزب محوری را در رأس امور بنشانند و هم اینکه به گزینش افراد اصلح کمک شایانی کند و خرید و فروش رأی برای انتخابات نمایندگان را به حداقل برساند. در این صورت که احزاب سیاسی متعهد می‌شوند تا در قالب یک سازمان مشخص، پاسخگوی اعمال و رفتار افراد تعیین شده از سوی خود و همچنین عملکرد آنان در دوران پس از انتخاب نماینده باشند.

۵-۱-۴. قانون‌مندی و جلوگیری از تخلفات انتخاباتی

نظام انتخاباتی اکثریتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی مخصوصاً در شهرهای کوچک و روستاها حالتی از محلی بودن دارد. این محلی بودن ناظر بر ارتباط نزدیک کاندیدها با رأی دهندگان و یا نزدیکان نمایندگان با مردم است. این بی‌واسطه بودن باعث ایجاد رانت و هزینه‌های انتخاباتی می‌شود که از نظر قانونی نیز تخلف محسوب می‌شود. نتیجه این روند نیز باعث اولویت دادن مسائل محلی به مسائل ملی است (ملک الساداتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۵). این نتیجه نیز ناشی از نظام انتخاباتی اکثریتی است که عملکرد فردی و تصمیمات وی در هزینه‌های انتخاباتی، تخصیص بودجه برای مناطق و یا اعطای امتیاز به افراد و نزدیکان اثرگذار است.

برای رسیدن به مقاصد محلی و منطقه‌ای تخلفاتی در عرصه برگزاری انتخابات به صورت نوعی بی‌نظمی حاکم می‌شود که شناسایی و رصد آنان برای مقامات نظارتی نیز دشوار است. بدین معنا، مشکلی که در نظام اکثریتی کنونی وجود دارد، حاکم شدن محلی‌گرایی و عدم شفافیت در برگزاری انتخابات

به دلیل آنچه تخلفات انتخاباتی ناشی از نفوذ کاندیدها خوانده می‌شود، است. در این صورت، اصل تعیین کننده، نه قانون، بلکه روابطی است که فرد نماینده با دیگران برقرار می‌کند. بدین معنا که عاملان اجتماعی دارای نفوذ و اثرگذاری از انتخابات به‌عنوان فرصت مناسبی برای بازتولید قدرت خود بهره می‌برند (نیکفر و جابری‌پور، ۱۳۹۸: ۸۲). این اثرگذاری می‌تواند در هزینه‌های انتخاباتی، دستکاری در آراء، جمع‌آوری و خرید و فروش برای کاندیدها و یا تبلیغات مالی و غیرمالی برای برخی از کاندیدها باشد. در این صورت، عرصه انتخابات از ابتدا تا انتهای آن برای شهروندان روشن نیست. این رویه باعث می‌شود تا در انتخابات مجلس به شیوه اکثریتی، پوششی از انواع تخلفات انتخاباتی باشد. یعنی هزینه‌های بسیاری برای انتخابات مجلس در یک نگاه کلی می‌شود که نوعی عدم مزیت اقتصادی است. البته این مشکل می‌تواند به دلیل نامز محوری نظام انتخاباتی تناسبی و وسعت حوزه انتخابیه نیز باشد. زیرا با وسعت حوزه انتخابیه پول و هزینه انتخابات نیز گسترش پیدا خواهد کرد (رفیعی قهساره، ۱۴۰۲: ۱۷). این در صورتی است که نظام انتخاباتی تناسبی با تجمیع نمایندگان یک حوزه جغرافیایی در قالب احزاب سیاسی مانع پراکندگی فراگیر و صرف هزینه‌های گزاف انتخاباتی شده و از این منظر دارای مزیت اقتصادی است. البته هر نظام انتخاباتی می‌تواند مشکلاتی در نوع خود داشته باشد، اما با توجه به اینکه در نظام انتخاباتی تناسبی، احزاب، فهرست کاندیدهای موردنظر خود را ارائه می‌کنند، در صورت بروز تخلف می‌توان حزب سیاسی را خطاب قرار داد و یا برای ساماندهی به انتخابات، قوانین شفاف‌تری برای فعالیت احزاب در چارچوب قانون اساسی فراهم نمود.

همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷). در این شرایط دولت نیز نظارت بیشتری بر رویه انتخابات از جمله هزینه‌های تبلیغاتی نمایندگان در ایام رقابت‌های انتخاباتی خواهد داشت. به نظر می‌رسد در شیوه انتخاباتی تناسبی و انتخابات مجلس این هدف به شکل بهتری قابل دستیابی خواهد بود. زیرا مشکلات ناشی از برگزاری انتخابات به شیوه اکثریتی و نامزدمحور به دلایل متعددی از جمله نفوذ کاندیدها بر انتخابات، مداخله غیرمستقیم و غیرمستقیم گماشتگان آنان در امر برگزاری انتخابات، دخالت در شمارش آراء و سایر جرایم انتخاباتی باعث شده تا حرکت به سمت یک رویه شفاف بیش از پیش احساس شود و به همین نحو نیز نظارت بر فرایند مالی و هزینه‌های کاندیدها با موانع متعددی روبرو شود.

بر مبنای موارد یاد شده و در صورتی که نظام انتخاباتی تناسبی برقرار باشد، احزاب سیاسی نیز به شکل مؤثری وارد عرصه انتخابات شده و با توجه به سازوکارهای قانونی و حقوقی برای نظارت بر هزینه‌های احزاب، امکان رصد و پیگیری هزینه‌های انتخاباتی توسط احزاب بیشتر از هزینه‌های افراد و یا اشخاص متمول و نزدیک به آنان است. در این راستا می‌توان به قوانین داخلی کشور اشاره کرد. بر مبنای آنچه در قانون احزاب در ایران دیده می‌شود، نظارت حقوقی بر هزینه‌های احزاب در ایران معمولاً توسط سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که از سوی وزارت کشور تعیین می‌شوند. در همین زمینه، در ماده ۷، قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، مصوب ۴ / ۱۱ / ۱۳۹۴، منتشر شده در روزنامه رسمی ۱۳۹۵/۸/۲۹، به عنوان آخرین قانون مصوب در این زمینه آمده است: تبصره ۴- پس از صدور پروانه، مرامنامه و اساسنامه حزب باید از طریق کمیسیون احزاب به هزینه حزب در روزنامه

بنابراین کاستن از تخلفات انتخابات هم از حیث هزینه‌های اقتصادی و هم از حیث ایجاد شفافیت در اداره امور انتخابات نوعی مزیت اقتصادی برای هر نظام انتخاباتی است. زیرا معین نشدن هزینه‌های تبلیغات و شفافیت مالی مانع برگزاری انتخابات سالم است (احمدوند و صابرماهانی، ۱۳۹۴: ۱۱). و از همه مهم‌تر اینکه باعث تخلفات مالی و اقتصادی خواهد شد. برای رفع این معضل نیاز به گزینش نظام انتخاباتی تناسبی است که امکان بیشتری برای شفافیت فراهم می‌آورد و می‌توان با تعیین سقف هزینه برای احزاب از ورود پول‌های غیر قانونی، و یا آنچه پول‌های کثیف نامیده می‌شود، به عرصه انتخابات جلوگیری نمود. این نیز نوعی مزیت اقتصادی است. این رویه در نظام انتخاباتی تناسبی از طریق احزاب قابل دستیابی است. همچنین احزاب یکی از ابزارهای شفاف‌سازی حکومت‌ورزی در دوران معاصر هستند. در این معنا، شفافیت همان آشکار بودن است؛ به طوری که در یک چارچوب روشن و دموکراتیک، شخص قادر به تشخیص باشد و درک اینکه چه تصمیماتی، چگونه و براساس چه استانداردهایی گرفته و چگونه اجرا می‌شوند (بهروزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۹). موضوعات مطرح شده نشان دهنده آن است که حزب‌گرایی یکی از معیارهای شفافیت در عرصه انتخابات است که با تعیین سقف و محدوده‌های هزینه در انتخابات مانع بروز تخلفات مالی اقتصادی از جمله در بحث تبلیغات و رقابت‌های انتخاباتی خواهد شد. در بحث تناسبی شدن نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی، احزاب سیاسی به مثابه حمایت از قانون و جلوگیری از اعمال غیرشفاف از طریق تمرکززدایی فعالیت می‌کنند. یعنی سیاست‌های انتخاباتی نه از بالا بلکه به وسیله احزاب و سایر نهادهای غیردولتی صورت می‌گیرد (اکبری و

رسمی چاپ و منتشر گردد. این قوانین بدین معناست که اگر انتخابات به صورت تناسبی و شناسایی لیست و فهرست احزاب صورت گیرد، سازوکارهای قانونی بیشتری برای نظارت بر انتخابات وجود دارد تا اینکه افراد به صورت مستقل و در سطح وسیعی از مناطق کشور به رقابت بپردازند. حتی گفته شده است که منطقه گرایی حاکم بر انتخابات مجلس نوعی غلبه منفعت‌گرایی قومی و محلی بر منافع ملی است که نوعی انحراف و نقص در مسؤولیت است و رفتاری تقلیل‌گرایانه است (توسلی رکن‌آبادی و شعبان شمیرانی، ۱۳۹۲: ۸۵). این تقلیل‌گرایی و انحراف با استناد به اصل ۸۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود که در آن آمده است: «هر نماینده در برابر همه ملت مسؤول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند». نتایج چنین رویکردی در عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی و شیوه انتخاباتی کنونی (اکثریتی)، تخصیص هزینه‌های غیرشفاف به مناطق مخصوصاً در زمان برگزاری انتخابات و هدر رفت منابع اقتصادی کشور می‌شود. اما در مقابل، شیوه تناسبی، مناطق مختلف را شناسایی و بودجه لازم را در اختیار چندین نماینده خواهد گذاشت که امکان تبانی از سوی چندین فرد (نامزد) برای استفاده از بودجه ملی برای ایام انتخابات را به حداقل می‌رساند. بدیهی است که در این صورت، تخلفات مالی و هزینه‌های خارج از عرف و قانون مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

۵-۱-۵. جلوگیری از هدر رفت منابع مالی و برتری اقلیت متمول

یکی از دغدغه‌های اساسی در امر برگزاری انتخابات مجلس این است که چگونه میتوان نقش هزینه‌های مالی را در انتخابات تحت قاعده و قانون

درآورد تا اینکه پول و سرمایه حرف اول را در انتخابات نزنند، بلکه شایسته سالاری و انتخاب زنده‌ترین و بهترین افراد مالک اصلی باشد؟ امروزه با توجه به هزینه‌های سنگین انتخاباتی تنها اقشار محدودی از جامعه توانایی شرکت در انتخابات را دارند و میتوانند با دیگر کاندیداها به رقابت بپردازند. تنها افرادی میتوانند در انتخابات شرکت داشته باشند که از قشرهای مرفه جامعه برخاسته باشند یا از سوی افراد و احزابی که دارای سرمایه کافی و وافر هستند، حمایت شوند (زکی زاده، ۱۳۹۰: ۵۷). همین افراد نیز با تکیه بر منابع مالی و سرمایه خود نسبت به خرید رأی فقرا اقدام کرده و در نتیجه علاوه بر اینکه نشان می‌دهد نظام انتخاباتی اکثریتی مزیت اقتصادی را از بین می‌برد، نمایندگی فقرا را نیز فراموش کرده و خود را تابع اقلیت سرمایه‌دار می‌دانند. این در صورتی است که احزاب نیز در نظام انتخاباتی تناسبی اثر قابل توجهی بر عرصه سیاسی ندارند و کاندیداها به صورت فردی اقدام به جمع‌آوری رأی نموده و نظارت چندانی نیز بر آنان و اطرافیان‌شان صورت نمی‌گیرد. به طور مشخص قانونی درباره رسیدگی به سازوکارهای مالی اطرافیان نامزدها وجود ندارد و حتی امری عبث و ظنز است. اما واقعیتی است که وجود دارد و تنها با وجود یک سازوکاری مانند حزب سیاسی است که می‌توان جلوی هدر رفت منابع مالی را گرفت.

با توجه به موارد یاد شده باید گفت که یکی از مشکلات موجود در انتخابات مجلس شورای اسلامی، بی‌اثر شدن نقش احزاب سیاسی و تبدیل شدن آنان به نهادهایی برای ایام انتخابات است. زیرا در شرایطی که نظام انتخاباتی به شیوه انفرادی، اکثریتی و کاندیدا محور است، نمایندگان برای کسب رأی نیازی به احزاب سیاسی نمی‌بینند و به

شیوه‌ای مستقیم به رأی دهندگان رجوع می‌کنند. در این رویه، پیامدهای نامطلوبی برای مردمسالاری دینی موجود در جامعه ایرانی رخ می‌دهد و حتی نظام سیاسی نیز با مشکلات و معضلاتی مواجه می‌شود (خرمشاد و رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۸۳). در صورتی که اگر نظام انتخاباتی به شیوه اکثریتی باشد که هم اکنون در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز به کار گرفته می‌شود، احزاب تنها در ایام انتخابات فعال می‌شوند و کاندیداها نیز بنا بر ضرورت و تنها برای رأی گرفتن خود را به آنان نزدیک می‌کنند و در صورت پیروز شدن، توجه چندانی به احزاب سیاسی و برنامه‌های آنان ندارند. یعنی نوعی احزاب مقطعی و شب انتخاباتی وجود دارد.

حال آنکه امروزه احزاب سیاسی واجد نقش مؤثری در عرصه سیاست از جمله در زمان قبل، حین و پس از برگزاری انتخابات هستند و برنامه‌هایی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بر عهده دارند. اما در چند دهه اخیر و به طور مشخص درباره اثرگذاری آنان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی باید گفت که این نهادها و ائتلافات آنان با یکدیگر از نظر کاربردی، دستاورد چندانی نداشتند (شجاعی، ۱۳۹۲: ۳). بنابراین تعبیری که می‌توان برای این احزاب به کار برد، تبدیل شدن آنان به نهادهایی بی‌اثر و یا محدود ماندن به ایام رأی‌گیری و کسب رأی است و برای مدت چهارسال و تا دوره بعدی انتخابات فعالیت مؤثری ندارند. به نظر می‌رسد این رویه بیش از هرچیز ناشی از نظام انتخاباتی اکثریتی است که نقشی برای احزاب سیاسی قائل نمی‌شود و نامزدهای انتخابات با روش‌های مختلف به دنبال کسب آراء در حوزه انتخابیه هستند. هر جایی هم به احزاب نیاز باشد، تنها در ایام انتخابات و برای

بهره‌گیری سیاسی از آنها استفاده می‌شود و نظارت مداوم بر آنان نیز امکانپذیر نیست.

مشکل دیگری که از اکثریتی بودن نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی حاصل شده است، تسلط دائمی اکثریت یک حوزه انتخابی بر اقلیت است. قاعده اکثریت در نظام انتخاباتی اکثریتی باعث می‌شود اکثریت یک حوزه انتخابی به دلایل مختلف قومی، مذهبی، عقیدتی و... به کاندیدایی از طیف خود گرایش پیدا کنند و اقلیت را به حاشیه برانند. قاعده اکثریت در واقع ناظر بر نوعی رویه رأی‌گیری جمعی در اجتماعات مشورتی و نهادهای انتخاباتی است (Herod, 2007: 2). به لحاظ سیاسی و در عرصه بیرونی این بدین معناست که اکثریت یک حوزه انتخابیه که اغلب از تمکن مالی نیز برخوردار هستند، تعیین نمایندگان را در دست گرفته و از پیروز شدن سایر افراد جلوگیری به عمل می‌آورند. این رویه به معنای مزیت نداشتن نظام انتخاباتی اکثریتی است که به دلایل ناکارآمدی متعددی که دارد، نیازمند گزینش نظام انتخاباتی تناسبی به جای آن است.

۶. نتیجه‌گیری

بخش مهمی از مزایای نظام‌های انتخاباتی به تبعات اقتصادی ناشی از اتخاذ آنان مرتبط است. بر این اساس تجربه عملی نظام انتخاباتی اکثریتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان داده است که این شیوه باعث برخی مخارج و هزینه‌های گسترده هم از حیث اجرای انتخابات یعنی چاپ تعرفه و هزینه‌های جانبی مربوط به آن یعنی شمارش و تعیین نهادها و افراد مجری و ناظر انتخابات شده است. همین رویه در شیوه تناسبی به عنوان شیوه مطلوب موردنظر پژوهش حاضر نیز وجود دارد؛ یعنی نظام تناسبی از این مزیت برخوردار است که در عرصه انتخابات به جای چاپ

است. علاوه بر این، در شیوه تناسبی، احزاب سیاسی از راهکارهای دیگری برای پیروز شدن بهره می‌برند که در شیوه نامزدمحوری به دلیل غلبه محلی‌گرایی و نفوذ افراد متمول بر نامزدها، شرایط مساعدی برای ورود پول‌های بی ضابطه به عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی فراهم است. ضمن اینکه در شیوه تناسبی، نوعی عدالت اقتصادی میان نامزدهای حزبی برقرار می‌شود و افرادی که از تمکن مالی برخوردار نبوده و اما شایستگی ورود به مجلس را دارند، توسط احزاب حمایت شده و در عرصه انتخابات به رقابت می‌پردازند. این در شرایطی است که در نظام انتخاباتی اکثریتی، ممکن است یک فرد متمول و یا دارای نزدیکان متمول همواره بتواند از توان اقتصادی خود برای انتخاب شدن بهره‌بردار و نامزدهای فقیر و کم بضاعت را به راحتی شکست دهد. اما در شرایط تناسبی، این نابرابری از طریق حضور در لیست حزبی و استفاده از هزینه‌های حزبی کاسته شده و یا از بین می‌رود.

۷. سهم نویسندگان

مقاله حاصل تلاش جمعی نویسندگان بوده است.

۸. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

تعرفه برای هر حوزه انتخاباتی، به شیوه استانی و لیستی از تعرفه‌های کمتری برای برگزاری انتخابات استفاده می‌کند. این رویکرد در عرصه شمارش آراء، نظارت و اجرای آن نیز نمایان خواهد شد و نوعی صرفه‌جویی اقتصادی است. همچنین در نظام انتخاباتی تناسبی با جایگزینی شیوه لیستی/فهرستی و مبتنی بر معرفی نامزدها از طریق احزاب سیاسی باعث می‌شود تا نامزدها به صورت مستقل و خودسرانه و یا توسط خود نامزدها و چه توسط طرفداران و نزدیکان نتوانند هزینه‌های سرسام‌آور در انتخابات در پیش بگیرند. بنابراین رصد فعالیت‌های اقتصادی نامزدها از طریق شناسایی احزاب در نظام انتخاباتی تناسبی به شیوه بهتری امکانپذیر است. بنابراین تناسبی شدن انتخابات در وهله اول، حوزه‌های انتخاباتی را از نامزدمحوری خارج و به شیوه لیستی و فهرست حزبی در می‌آورد که به معنای کاهش هزینه‌ها در برگزاری انتخابات اعم از امور اجرایی، مخارج مربوط به جابجایی و نیروی انسانی و شمارش و تعیین برندگان خواهد شد. امیدواری اساسی در این زمینه آن است که احزاب به عنوان یک سازمان و نهاد می‌توانند در برابر خواسته دولت مبنی بر شفافیت و ارائه آمار در ارتباط با هزینه‌های انتخاباتی پاسخگو باشند و افراد غیرمرتبط و یا نزدیکان نامزدها از دور خارج شوند و نوعی انضباط نهادی بر انتخابات مجلس شورای اسلامی حاکم شود.

بر این اساس نوعی نظم و انضباط و قانونمداری بر عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی حاکم خواهد شد. ضمن اینکه بحث خرید و فروش آراء نیز به دلیل حزبی شدن انتخابات تا حدود زیادی کم خواهد شد، زیرا در شیوه نامزدمحوری امکان بیشتری برای خرید و فروش آراء از جمله در مناطق محروم می‌شد که در نظام انتخاباتی اکثریتی قابل مشاهده

منابع

- احمدوند، شجاع، صابرماهانی، فردوس، درآمدی مقایسه‌ای بر منابع مالی تبلیغات انتخاباتی (مطالعه نظام های انتخاباتی ایران، فرانسه، روسیه و امریکا)، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره چهل ونهم، ۱۳۹۴.
- احمدی، مونا و هاشمی، سیدمحمد، سازوکار نظارت مالی بر احزاب در حقوق موضوعه ایران، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، ۱۳۹۵.
- بهروز، محمد، پورکیانی، مسعود، درخشان، مژگان، محمداققری، مهدی، مطالعه رابطه شاخص‌های شفافیت و پاسخگویی و کنترل فساد بر شاخصه رفاه لگاتوم مطالعه کشورهای حوزه سند چشم‌انداز توسعه کشور، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۹.
- توسلی رکن آبادی، مجید، شعبان شمیرانی، علیرضا، نقش نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در چگونگی ایفای مسؤولیت نمایندگی مجلس هفتم، جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره چهارم، ۱۳۹۲.
- جاسبی، عبدالله، تاملی در مقوله احزاب سیاسی در ایران، تهران، دفتر فرهنگ مقاومت، ۱۳۸۱.
- جریده، رسول، حقوق احزاب، تهران: انتشارات اندیشه سبز نوین، ۱۳۹۴.
- جلالیان، عسکر، فرزانه، مهدی، سلیمی، علی، چالش‌های نظام انتخاباتی ایران در قانون اساسی، اجرا و نظارت، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی زرقان، ۱۳۹۷.
- خرمشاد، محمداققری، رفیعی قهساره، ابودر، «نظام انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره سوم، ۱۳۹۲.
- درستی، هاجر، آسیب شناسی تبلیغاتی مجلس شورای اسلامی در پرتو اصول حقوقی حاکم بر تبلیغات، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و یکم، شماره هشتادم، ۱۳۹۳.
- رفیعی قهساره، ابودر، جرائم و تخلفات انتخاباتی؛ مطالعه تطبیقی خرید و فروش آراء در انتخابات، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۴۰۲.
- زکی‌زاده، عصمت، تعاملات احزاب و انتخابات با نگرش کاربردی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر راد، ۱۳۹۰.
- عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران؛ ۱۳۳۲-۱۳۲۰، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، تهران: نشر پیام، ۱۳۷۷.
- گلشنی، علیرضا، آسیب شناسی انتخابات ریاست جمهوری ایران، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ۱۳۹۷.
- مقصودی، مجتبی، ابراهیم‌آبادی، غلامرضا، تأثیر استانی شدن انتخابات مجلس بر وظایف نمایندگی، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۰.
- ملک‌الساداتی، سیدسعید، سلیمی‌فر، مصطفی، لطفعلی‌پور، محمدرضا، قوامی، هادی، نهادهای انتخاباتی و گرایش‌های بودجه‌ای ملی و منطقه‌ای نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال ۲۰، شماره پنجم، ۱۳۹۲.
- مولائی، آیت، احمدی، مسعود، امکان‌سنجی الگوی مطلوب حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دهم، شماره سی و چهارم، ۱۴۰۰.
- میرزاده کوهشاهی، نادر، میرزاده کوهشاهی، مهدی، «امکان‌سنجی استانی‌شدن حوزه‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۳۹۰.
- میرزائی، حسین، جلالی، خواجه سروی، غلامرضا، خسروی، محمدعلی، واکاوی علل و زمینه‌های سیاسی حقوقی وقوع جرائم و تخلفات انتخاباتی (با نگاهی به انتخابات دهه ۹۰ شمسی)، فصلنامه پژوهش سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره چهل و پنجم، ۱۳۹۹.
- نیکفر، جاسب، جابری‌پور، سمانه، فروپاشی خرده‌گفتمان‌های عشیره‌ای و رفتار انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی اسلامی؛ مطالعه موردی، حوزه انتخابیه بویر احمد و دوره نهم انتخابات مجلس شورای اسلامی، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، دوره سی‌ام، شماره دوم، ۱۳۹۸.

سایت

Herod, James, "Majority rule", at: http://site.www.umb.edu/faculty/salzman_g/Strate/GetFre/4-20.htm. ۲۰۰۷

